

هنرمندان در بزنگاه جنگ همراه ملت مقاوم و صبور

روایت حقیقت ملت ایران ادامه دارد

با وجود این که یک هفته از تجاوز رژیم صهیونی به ایران عزیز می گذرد، هنرمندان و مدیران فرهنگی کشور عزیزمان همچنان پای کار هستند و همبستگی خود را با مردم و دولت اعلام می کنند. در ادامه واکنش های جامعه فرهنگی و هنر کشور را به حملات تروریستی رژیم کودک کش می خوانید.

یادداشت مجید زین العابدین، مشاور رییس سازمان صداوسیما:

قطب نمای تاریخ به سمت ایران خواهد بود

خواهد بود و جهت درست رابه نسل های آینده دنیانشان خواهد داد. از یاد نبریم که مکتب ما، مکتب امام حسین (ع) مکتب دلاور پرور، آزاده پرور و حقیقت پرور است. روایت حقیقت ملت ایران ادامه دارد. انسانهای کم نظیر و جان های عزیزی از دست دادیم و چه زنان مظلوم و کودکان دلربایی زیر آوارها شهید شدند. در آینده تاریخ باور دارم که به احترام کاغذخونین خبرنگاران رسانه ملی، لباس خاک نشسته سرداران شهید، عروسک آغشته به خون دختران معصوم، روپوش خون گرفته امدادگران هلال، کتاب ناتمام دانشمندان شهید، پیکر پاره پاره بچه های پدافند و دهها نماد دیگر مقاومت ملی، در کتاب مثنوی تاریخ، غزل ها و قصیده هایی از عزت، غیرت و افتخار مردان و زنان ایران زمین سروده خواهد شد. بی شک روایت فتح مردم ایران بر رژیم وحشی، روایت سربلندی و افتخار خواهد بود. بر دست یک مجاهدان این جبهه مقاومت ملی و مقاومت ایمانی بوسه می زنم. به امید عزت و سربلندی بیشتر ایران و ایرانی. چه خوش گفت قیصر شعر ایران که: چه شب ها من و آسمان تادم صبح، سرودیم نم، تور ا دوست دارم...

مجید زین العابدین، مشاور رییس سازمان صداوسیما در یادداشتی که به طور اختصاصی در اختیار صبا قرار داده، روایت فتح مردم ایران بر رژیم وحشی صهیونیستی را روایت سربلندی و افتخار خواند. مدیرعامل سابق بنیاد فارابی در



این یادداشت نوشته است: آنگاه که زوزه آن رژیم وحشی، شیشه های ساختمان شیشه ای را می شکست، انگشت اشاره شیر زن ایرانی در میانه هیاهوی شکستن شیشه ها، جلوه گاه شکست ناپذیری صدای حقیقت ملت ایران شد. طنین بر صلابتی که ترجمان بلند و آلابی از شجاعت و شرافت ایرانی را پیش روی مردم دنیا قرار داد.

زین العابدین در این یادداشت با بیان اینکه مردم ایران اکنون در سمت درست تاریخ ایستاده اند تا ملی ترین جلوه آزادی را به جهانیان نشان دهند افزود: به زنگار سرنوشت سفاکان تاریخ بنگریم، رژیم صهیونی در جنگ وجودی دیر یازوده به سنت الهی گرفتار خواهد شد. باور دارم قطب نمای تاریخ به سمت ایران

گفت وگوی صبا با نیما کریمی مجری رسانه ملی:

سحر امامی نماد شجاعت جامعه رسانه ای و هنرمندان کشور است

با توجه به گفته شما هنرمندان وظیفه دارند این حس آرامش را در جامعه به وجود بیاورند؟
قطعاً همین طور است. تأثیر دیالوگ هنرمندان با افراد عادی متفاوت است؛ اینکه هنرمندان چه می گویند و چطور با موضوع مواجه شده و ایستادگی می کند بر آحاد مردم جامعه تأثیر گذار است. هنرمندان باید در شرایط بحران همچنان در کنار مردم باقی بمانند و این موجب قوت قلب جامعه است به عبارتی باید هنرمندی به کاری که انجام می داده ادامه دهد برای مثال مجری که قبول کرده در شرایط بحرانی مجری مراسم باشد باید تا آخرین لحظه حضور داشته باشد و همین حضور موجب قوت قلب و آرامش است.

نیما کریمی، مجری با سابقه تلویزیون، شجاعت سحر امامی مجری شبکه خبر در حمله رژیم صهیونیستی به سازمان صدا و سیما را ناشی از عشق به وطن دانست.

با نیما کریمی، مجری رسانه ملی و گوینده رادیو درباره نقش هنر و هنرمند در کمک به مردم در شرایط سخت جامعه گفت و گو کرده ایم که در ادامه می خوانید.



به نظر شما هنرمندان چگونه می توانند در شرایط بحرانی موجب امید و آرامش مردم شوند؟

هنرمند با توجه به توانایی هایی که دارد می تواند در شرایط مختلف در کنار مردم باشد برای مثال انتقال احساس خوب در زمان شادی و شغف از زبان یک هنرمند برای مردم جذاب تر و دلنشین تر است و در شرایط کنونی که به کشور ما تجاوز شده و درگیر حمله هستیم وقتی یک هنرمند با نگرش لطیفش در کنار مردم قرار می گیرد موجب آرامش آنها می شود؛ نوع نگاه، بیان و ماندن در کنار مردم آرامش را برای جامعه به ارمغان می آورد و این بدان معنا نیست که هنرمندان حتماً باید فعالیت هنری خاصی انجام دهند بلکه حضور، نوع ادبیات و حرف زدن و رفتارشان می تواند برای جامعه آرامش بخش باشد.

هنرمندان چگونه می توانند موجب تقویت اتحاد و همبستگی ملی شوند؟

هنرمند به دلیل اینکه برای آحاد جامعه یک انسان آشناست و چون در خوشی ها کنار آنها بوده همراهی آنها در این شرایط به مردم احساس مثبت با هم بودن را تقویت می کند، هر فردی که دلش برای ایران بتپد و بیانش موجب قوت قلب جامعه باشد در واقع کنار مردم قرار گرفته است و اینکه مردم احساس همبستگی از اقشار مختلف جامعه از جمله هنرمندان دریافت کنند موجب انتقال حس خوب به آنها می شود. این کنار هم بودن حس یک تن و روح بودن را منتقل می کند چون آدمی نسبت به یک فرد آشنا حس بهتری دارد و هنرمند نیز برای جامعه آشناست و وقتی کنار مردم قرار می گیرد حس آرامش را به آنها منتقل می کند.

سرمقاله

تئاتر امروز ایران؛ در محاق، یا میدان مقاومت؟



امیر افشار فتوحی
دبیر تحریریه روزنامه صبا

ایران امروز در وضعیت جنگی قرار دارد؛ نه جنگی رسمی و اعلام شده، بلکه جنگی که با موشک، پهپاد، عملیات سایبری و روانی، توسط دشمنی متجاوز یعنی رژیم صهیونیستی علیه امنیت ملی، روانی و اجتماعی مردم ایران به راه افتاده است. هدف، ویران کردن بنیان پایداری جامعه از درون است؛ ایجاد ترس، فلج کردن زندگی روزمره و تعطیل کردن فعالیت های جمعی. یکی از نخستین قربانیان این فضا، هنر تئاتر است. درک می کنم که تعطیلی اجراها، لغو جشنواره ها، خالی شدن سالن ها؛ نشانه هایی از اولویت دادن به امنیت در برابر اجتماع فرهنگی است. اما در این نقطه بحرانی، ضرورت بازخوانی تجربه های تاریخی مشابه از جنگ و هنر پدیدار می شود. تاریخ هنر نشان می دهد که در دوران های جنگی و انقلابی، تئاتر نه تنها تعطیل نشده، بلکه گاه نقش حیاتی در بسیج مردم، حفظ روحیه ملی و حتی خلق زیبایی در دل فاجعه ایفا کرده است. یکی از برجسته ترین مکاتب هنری که از دل جنگ و انقلاب پدید آمد و به صورت ویژه در تئاتر تأثیر گذاشت، رئالیسم سوسیالیستی بود. در دوران جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی از تئاتر به عنوان ابزار تقویت روحیه و ارتقای همبستگی ملی بهره گرفت. گروه های سیر تئاتری با اجرای نمایش در خطوط مقدم، روحیه رزمندگان را بالا نگه می داشتند.

در کتاب «تاریخ تئاتر جهان» اثر اسکار براکت آمده است: «تئاتر در جبهه های شرق، نقشی کلیدی در زنده ماندن امید بازی می کرد؛ بازیگران همچون سربازانی بی سلاح بودند که دشمن را با روایت شکست می دادند.»

کارگردانی چون واختانگوف، استانیسلاوسکی و حتی مایر هولد (پیش از حذف در دوره استالین)، در رشد این مکتب تأثیر گذار بودند. آن ها در کنار فرم گرای تجربی، تأکید می کردند که هنر بدون محتوا، کارکرد اجتماعی خود را از دست می دهد.

در ایران، به ویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس، با وجود تفاوت های ایدئولوژیک با شوروی، تئاتری شکل گرفت که از بسیاری جنبه ها با رئالیسم سوسیالیستی هم پوشانی داشت و به دلیل همان تفاوت های ایدئولوژیک من نامش را «تئاتر مقاومت مردمی» می گذارم. تئاتر های دفاع مقدس، با مضامین ایثار، مقاومت، شهادت و بازنمایی نقش مردم عادی، نمونه هایی برجسته در این شیوه تئاتری هستند.

نمایشنامه هایی مانند: «پات»، «شب بخیر فرماده»، «پچ پچه های پشت خط نبرد» و «خاطرات هنر پیشه نقش دوم» از جمله این آثار هستند که در زمان جنگ شکل گرفتند.

این آثار، تیپ سازی مشخصی از رزمنده مؤمن، دشمن پست و جامعه پشتیبان ارائه می دهند. آن ها حامل پیام امید و استمرار ارزش های جمعی اند.

در کتاب «تئاتر دفاع مقدس»، تألیف مصطفی عبدالهی آمده است: «نمایشنامه نویسان ایرانی، در دهه ۶۰، قهرمان را از دل خاک، خون، و دعا بیرون آوردند؛ آنان آگاهانه یا نا آگاه، فرزند رئالیسم سوسیالیستی بودند.»

اما باید توجه داشت که در زمانه بحران، برخی ابزارها حتی اگر ایدئولوژیک باشند کارکرد نجات بخش دارند.

امروز، تئاتر ایران به دلیل تهدیدات امنیتی دشمن تعطیل شده است. اما تجربه «تئاتر مقاومت مردمی» به ما می آموزد که تئاتر در دل جنگ، می تواند همچنان نفس بکشد؛ اگر شکل اجرا، رسانه و مخاطب آن باز تعریف شود.

به نظر نگارنده ایجاد «تئاتر مقاومت مردمی» بسا بهره گیری از روایت های واقعی، نمایشنامه های کوتاه، اجراهای خانگی و انتشار آن در شبکه خانگی و یا حتی تلویزیون می تواند در جهت حفظ وحدت و آرامش بین خانواده ها و بخصوص کودکان مفید فایده باشد. این محتوا می تواند تجربیات پزشکان، امدادگران، خانواده های شهدا و بازماندگان حملات اخیر باشد. این تئاتر لازم نیست حرفه ای؛ بلکه باید صادق، ساده و امیدوار کننده باشد.

از طرفی نیز نگارنده معتقد است با توجه به این که در غم از دست دادن عزیزان، سرداران و دانشمندان مان در سوگ هستیم اما به قول رضا کیانیان بازیگر صاحب سبک و پیشکسوت کشورمان که در یادداشتش در واکنش به حمله تجاوزکارانه رژیم صهیونی نوشته است «ما به امید زنده ایم و با امید ادامه می دهیم. امید، راز ماندگاری ماست» می توانیم حتی با اجرای نمایش های کمدی در این بزنگاه در ایجاد روحیه مضاعف و امید بخش موثر عمل کنیم.

این جمله یوجینو باربا کارگردان تئاتر و نویسنده اهل ایتالیا می تواند مقصد اصلی تئاتر را در این شرایط جنگی به خوبی ترسیم کند: «تئاتر اگر به درد زمانه اش نخورد، دیگر تئاتر نیست؛ تزئین دیوار است.»